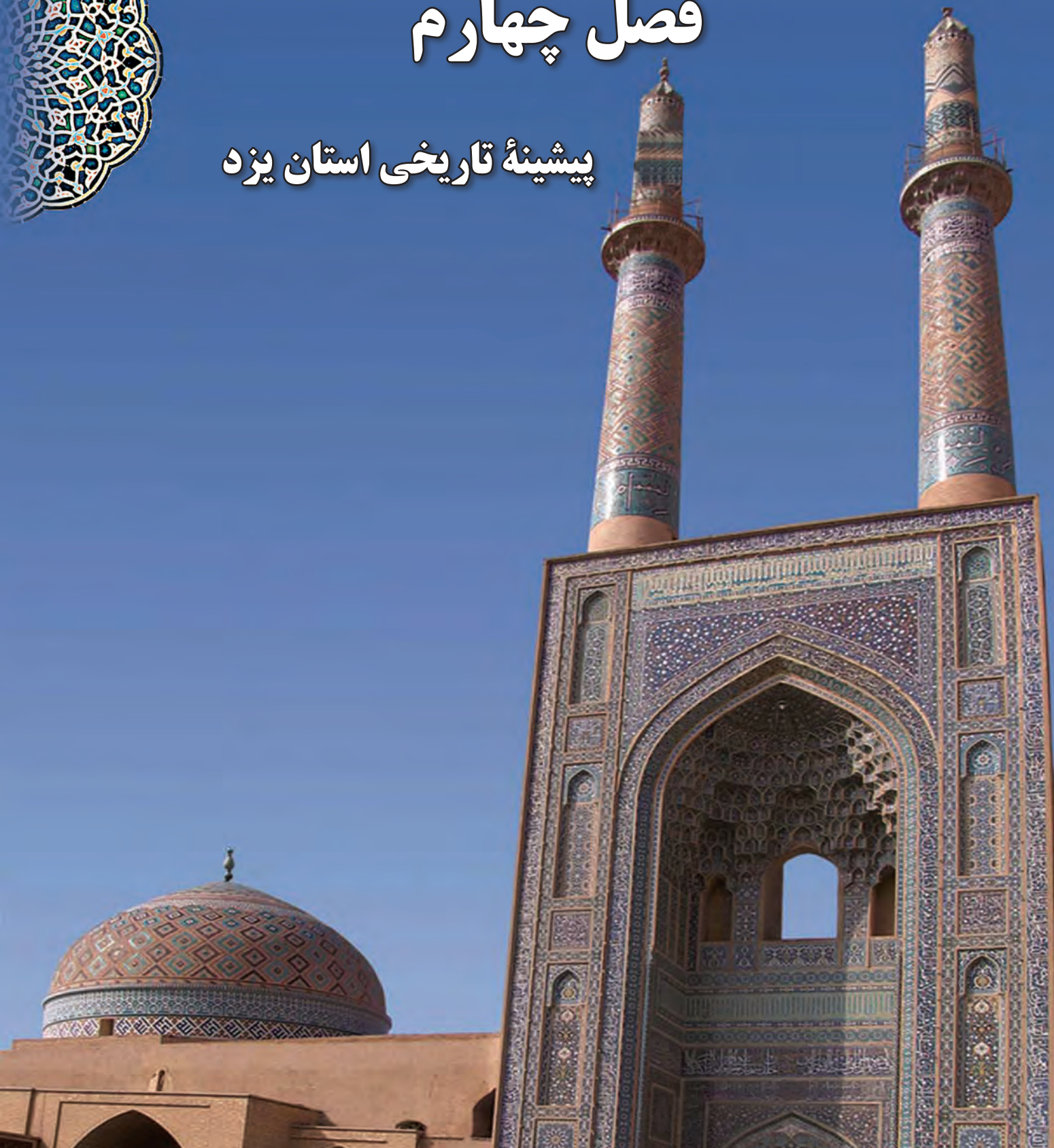


# فصل چهارم

پیشینه تاریخی استان یزد



## درس دهم پیشینه تاریخی استان

### پیشینه سکونت انسان در سطح استان

از استخوان‌های جسد به دست آمده در شیرکوه با قدمت ۴۰۰۰۰ سال پیش که مربوط به انسان غارنشین است، بر می‌آید که یزد پیشینه تاریخی کهنی دارد. نگاره‌های روی تخته سنگ در کوه ارنان و دست افزارهای سنگی یافته شده در دره‌های شیرکوه حاکی از وجود انسان‌هایی از عصر حجر در اطراف یزد است، وجود بیش از ۲۰ غار تاریخی از جمله غار اشکفت (شکفت) در شهرستان اردکان و خورمیز در مهریز نمونه‌هایی از آن است. تنوع آثار کشف شده در منطقه غربال بیز مهریز، به گونه‌ای است که دوران ماقبل تاریخی را به دوران تاریخی پیوند داده است.



شکل ۱-۴- نقش سنگ نگاره‌های کوه ارنان

قبرهای خورشیدی در ارتفاعات کوه‌های بوهروک و نواحی جنوب غربی یزد که مربوط به دوران خورشید پرستی است و مربوط به سه تا شش هزار سال پیش است، نمونه‌های دیگری است. زراعت و مدنیت یزد، از مناطق مهریز و فهرج، یزد، رستاق، مید، اردکان و ابرکوه شروع شد اما کشاورزی در مهریز، فهرج و یزد در ابتدا وابسته به آب‌های سطحی ولی بعداً به دلیل کمبود ریزش‌های جوی و در کنار آن گرم شدن هوا مانند دیگر مناطق وابسته به آب‌های زیرزمینی، قنات (کاریز) شد.

### وجه تسمیه یزد

نام یزد، وابسته به واژه باستانی یَژش و ریشه در یَشت Yast، یَژت Yazt و یَسن دارد که به معنای ستایش، نیایش، پرستش و ایزد



است. یزد از یزدان نیز گرفته شده که به معنی پاک، مقدس، فرخنده و در خور تحسین است. یزد یعنی آفریننده خوبی‌ها، پاکی‌ها و شهر یزد به معنی شهر خدا، شهر مقدس و شهری که در خور آفرین (لایق تحسین) است، آمده است.

### بیشتر بدانیم



یزد نام‌های دیگری مانند ایساتیس داشته که محل آن در دامنه ارتفاعات مهریز بوده است، اما این نام تنها در کتاب آتشکده یزدان (تاریخ یزد) عبدالحسین آیتی در سال ۱۳۱۷ هـ. ش آمده است. شاید ایساتیس همان است که در جغرافیای بطلمیوس به نام ایستیخای در بیابان کارمانیا (کرمان) از آن نام برده شده است. این نام در کتب جغرافیایی قدیم به صورت ایزاطیخه به معنی یزد به کار رفته اما آیا این دو نام همان ایساتیس است یا جایگاه آن کجاست و چگونگی تغییر این دو نام به ایساتیس معلوم نیست.

یزد نام‌های دیگری مانند کینه، کثنویه و کهنو داشته است ولی در گزارش جغرافیدانان مسلمان در قرن چهارم و پنجم کینه نام محلی در حومه یزد بوده است. این شهر لقب‌های گوناگونی مانند دارالعباده از قرن پنجم به بعد، دارالسیاده و دارالعلم در قرن هشتم و در شعر حافظ زندان سکندر داشته است و از قرن نهم، وارد کتب تاریخی شده است. امروزه یزد به نام شهر بادگیرها، شهر دوچرخه‌ها، اولین شهر خستی جهان و دومین شهر تاریخی جهان بعد از ونیز ایتالیا مشهور شده است.

### برای مطالعه

#### استان یزد قبل از اسلام

سابقه یزد قبل از اسلام به دوره مادها می‌رسد. این منطقه جزء تقسیمات دوازده گانه مادها بوده که در جنوب شرقی سرزمین ماد قرار داشته و غالباً جزو پارس به شمار می‌رفته است، آبادی‌های یزد و میبد قبل از حمله اسکندر وجود داشته و در دوره هخامنشیان با قرار گرفتن در مسیر راه ری به کرمان و پارس به خراسان نقش ارتباطی و نظامی مهمی داشته است و به همین دلیل اسکندر در حومه آن محلی را برای زندانیان خود، که شاهزادگان پارسی بودند، اختصاص می‌دهد. کهندژ نارین قلعه در میبد مربوط به دوره ماد حتی با آثار دوره ایلامی خود مدعای این مطلب است. سکه‌های ضرب شده در یزد که متعلق به دوره اشکانی است نشان دهنده اهمیت این شهر در آن دوره است. با قیام اردشیر بابکان علیه اردوان پنجم، آخرین پادشاه اشکانی، یزد نیز به تصرف اردشیر بابکان درآمد. به دلیل توجه پادشاهان و شاهزادگان ساسانی و علاقه آن‌ها به عمران و آبادی این منطقه، تصویر روشن‌تری از یزد در دوره ساسانی

موجود است؛ به طوری که نام یزد به یزدگرد اول، میبده به شاهزاده مؤبد فرزند قباد پادشاه ساسانی یا به میبدار سرهنگ یزدگرد، بیده و عقدا به دیگر سرهنگان ساسانی منسوب شده است. موقعیت مذهبی هفتادُر (هفت آذر) برای مذهب زردشت نمونه دیگری در این مورد است.

### یزد در دوران اسلامی

اسلام آوردن مردم یزد: مردم یزد اسلام را با میل و رغبت به وسیله سپاهیان که از یزد عبور می کردند، پذیرفتند. عده ای از مردم که بر دین زردشتی باقی ماندند، جزیه می پرداختند. آن ها به صورت اقلیت مذهبی در یزد باقی ماندند.

یزد در تقسیمات جغرافیایی دوره اسلامی جزو فارس به شمار می رفته و در تقسیم جغرافیایی کوچک تر جزو اصطخر به شمار می رفته است. اطلاعات ما از یزد در این سال ها منحصر به گزارش جغرافیدانان مسلمان است و عموماً نام کَته در کنار یزد آمده است. یزد در آن دوره شهری است آباد با صنعت پارچه بافی که پارچه های آن در همه شهرهای ایران معروف بوده است. اطلاعات ما از اوضاع سیاسی یزد در قرون نخستین اسلامی بسیار کم است و سرنوشت سیاسی یزد با فارس یکی بوده است. در دوره آل بویه یزد جزو قلمرو این حکومت قرار داشته است. در اواخر قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم دو رویداد مهم در سرنوشت یزد و ابرکو تأثیر زیادی داشته است: ساکن شدن ابو جعفر محمد مشهور به امامزاده جعفر (ع) از علویان نسل چهارم امام جعفر صادق (ع) در یزد و ادامه سکونت فرزندان ایشان در یزد و اطراف آن، نشان از احترام مردم یزد به خاندان اهل بیت (ع) و وجود شیعیانی در یزد بوده است. دیگر اینکه طغرل سلجوقی بعد از حمله به اصفهان در سال ۴۴۳ هـ. ق که مرکز حکومت آل کاکویه بود، از ظهیرالدین ابو منصور فرامرز خواست که اصفهان را به او واگذار کند و هر شهری از مرکز ایران را خواست بگیرد. ابو منصور فرامرز ولایت یزد را برای ادامه زندگی و عبادت درخواست کرد. بنابراین طغرل طی منشوری نوشت: «یزد را دارالعباده ابو منصور ساختیم». از این زمان به بعد یزد به دارالعباده ملقب شد. علاقه امیران آل کاکویه و سرهنگان آن ها به عمران و آبادی و ایجاد قنات و ساخت بناهای مذهبی و مدارس چهره یزد را به شهری آباد، با فرهنگ غنی اسلامی و شیعه در مرکز ایران تبدیل کرد. مذهب شیعه تا ظهور دولت صفویه به عنوان اقلیت مذهبی در یزد باقی ماند ولی اکثر مردم یزد شافعی مذهب بودند.

این حکومت تا سال ۵۳۶ هـ. ق، زمان کشته شدن آخرین امیر آل کاکویه ادامه داشت. او در جنگ قطوان به حمایت از سلطان سنجر سلجوقی علیه قراخانیان شرکت کرده بود. سلطان سنجر به پاس خدمات او حکومت یزد را به دو دختر او واگذار کرد. این حکومت که به اتابکان یزد معروف شد، تا سال ۷۱۸ هـ. ق ادامه داشت.

**حکومت آل مظفر:** در دوره ایلخانی، یزد به دلیل قرار گرفتن در مسیر راه های تجاری، برای این حکومت اهمیت زیادی داشت. امیر مظفر از افراد این خاندان به دلیل سرکوبی راهزنان فارس که به یزد آمده بودند، مورد



توجه اتابک یزد، یوسف شاه، قرار گرفت و از طرف او به حکومت میبید و ندوشن رسید. او مأمور حفظ و نگهداری راه‌های اطراف یزد شد و به شرف الدین ملقب شد. فرزندش امیر مبارزالدین محمد، از طرف الجایتو و بعد از او سلطان ابوسعید ایلخانی حکومت میبید و سپس یزد و همچنین راهداری مرکز ایران را عهده دار شد. با ضعف حکومت ایلخانی، آل مظفر، در مرکز ایران قدرت را به دست گرفتند و به تدریج کرمان، شیراز، اصفهان و تبریز را جزو قلمرو خود کردند اما آل مظفر به دلیل اختلافات خانوادگی دائماً با یکدیگر در حال جنگ بودند، به طوری که امیر مبارزالدین محمد به امر فرزندش شاه شجاع کور شد.

از حکام معروف آل مظفر در یزد، شاه یحیی را می‌توان نام برد که به عمران و آبادانی علاقه زیادی داشت. یزد در این دوران به دلیل حمایت حکام آل مظفر از دانشمندان و رونق مدارس، به دارالعلم معروف شد. این خاندان با حمله تیمور گورکانی به ایران برچیده شد.

شکوفایی و رونق یزد در دوره تیموریان به واسطه حکومت امیر جلال‌الدین چخماق شامی و فرزندش ادامه یافت؛ زیرا آن‌ها نیز علاقه زیادی به عمران و آبادانی یزد داشتند. به طوری که مجموعه امیر چخماق شامل مسجد، کاروانسرا، بازار، حمام، آب انبار و حسینیه از آثار ایشان در یزد است.

یزد در اواخر دوره تیموری به دلیل ضعف این حکومت، قرار گرفتن در مسیر لشکرکشی‌های متعدد، رقابت و کشمکش امرای ترکمن، ظلم و ستم مأموران مالیاتی آن‌ها، قحطی ۸۵۸ هـ. ق و سیل ۸۶۰ هـ. ق دوران آبادانی و رونق طلایی خود را از دست داد.

در ابتدای حکومت صفوی یکی از افراد خاندان شاه نعمت‌الله ولی به نام امیر میرزا عبدالباقی مورد توجه خاندان صفوی واقع شد و به مقام وکیل در دولت شاه اسماعیل قرار گرفت. وی سرانجام در جنگ چالدران کشته شد. این خاندان با نقشی که در حمایت و همراهی دولت صفویه داشتند، همواره مورد توجه این حکومت بودند. چند تن از آنان به حکومت یزد رسیدند. یزد در این دوره به دلیل موقعیت تجاری و پارچه‌های دست بافت مورد توجه سیاحان و مسافران اروپایی بود و بافندگان یزدی شهرت زیادی داشتند. حکومت صفویه با حمله افغان‌های تابع ایران از بین رفت ولی دلاوری‌های میرزا عنایت سلطان در یزد در برابر محمود افغان و سپس اشرف افغان قابل ستایش است؛ به طوری که مدت چهار سال پیایی پیروزی با میرزا عنایت سلطان بود. سرانجام نیز اشرف افغان با حيله توانست بر او پیروز شود.

از اواخر دوره افشار تا اواخر دوره قاجار محمدتقی خان دولت‌آبادی و فرزندانش در یزد به عنوان نقش حاکم یا مستوفی حکومت می‌کردند. این خاندان در یزد خدمات ارزنده‌ای کردند و آثار و بناهای فراوانی در این شهر به وجود آوردند: باغ دولت‌آباد، باغ نصریه، مدرسه خان، میدان خان، بازارخان، بازار قیصریه، و... از آثار این خاندان است. نقش مردم یزد در دو انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی قابل تحسین است. روشنفکری و ظلم‌ستیزی مردم یزد در مبارزات انقلاب مشروطه و مخالفت فرخی شاعر یزدی با استبداد حاکم نمونه‌ای از آن است. در جریان مبارزات مردم ایران علیه رژیم پهلوی، روز دهم فروردین ۱۳۵۷، روزی به یاد ماندنی در تاریخ انقلاب اسلامی است.



### مسجد جامع یزد

آیا می‌دانید ساخت مسجد جامع یزد مربوط به یک دوره خاص نیست؟ مراحل ساخت آن از ابتدا تاکنون به شرح زیر است: این مسجد پس از ورود اسلام، در کنار آتشکده از دوره ساسانی ساخته شد. با انتقال حکومت آل کاکویه از اصفهان به یزد این مسجد توسعه پیدا کرد و در زمان گرشاسب حاکم آل کاکویه یزد به منتهای عظمت خود رسید اما بنای کنونی مسجد جامع مربوط به اوایل قرن هشتم هجری و از آثار سید رکن‌الدین محمد قاضی از نوادگان امامزاده جعفر(ع) بوده است. در دوره حکومت صفوی و سپس در دوره قاجاری از جمله در زمان پادشاهی فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه قاجار بنا کامل و مرمت شد. سپس در دوره پهلوی اول به دلیل بی‌توجهی به مساجد، این مسجد نیز خسارت زیادی دید تا این که در سال ۱۳۲۴ هـ. ش با تلاش و همت حاج سید علی محمد وزیری مرمت اساسی شد و قسمت‌هایی به آن اضافه شد.

### فعالیت



نام اثر تاریخی شهر خود	دوره مربوطه	زمان ساخت



## درس یازدهم نقش مردم یزد در دفاع از کیان و مرزهای ایران اسلامی

مردم یزد بنا بر نوشته‌های تاریخی، مردمی با فرهنگ، با ادب و علاقه‌مند به فراگیری علم و دانش بوده‌اند. به این دلیل مدارس و نهادهای علمی متعددی در سطح استان به وجود آمده‌اند، حکومت‌هایی مانند آل کاکویه یزد، اتابکان و آل مظفر و شخصیت‌هایی مانند سید رکن‌الدین محمد قاضی در توسعه مدارس و رونق علمی یزد تأثیر زیادی داشته‌اند. این سابقه تاریخی علمی باعث شده یزد همواره از مقام و مرتبه علمی بالایی در کشور برخوردار باشد.

### شخصیت‌های علمی مشهور یزد

ابوالفضل رشید الدین میبیدی عالم دینی و مفسر اواخر قرن پنجم و ششم هجری قمری است. او صاحب تفسیر کشف الاسرار و عده‌الابرار است. خواجه نظام الملک ابرقویی نیز از عالمان دینی قرن هفتم هجری است. قاضی میرحسین میبیدی عالم دینی، ریاضیدان و شاعر قرن نهم بوده است. پدرش مشهور به معلم یزدی معاصر آل مظفر و از مورخان معروف آن عصر بوده که کتاب مواهب الهی در تاریخ آل مظفر اثر اوست. شرف الدین علی یزدی عالم، مورخ و شاعر عصر تیموری و مورد احترام شاهان و شاهزادگان تیموری بوده است. کتاب ظفرنامه از آثار اوست. ملا عبدالله بهابادی از علمای قرن دهم و استاد شیخ بهایی و صاحب اثر معروف حاشیه ملا عبدالله است. وحشی بافقی نیز از شعرای مشهور عصر صفوی از دیگر شخصیت‌های استان یزد است که در سال ۹۳۹ هـ.ق در شهر بافق چشم به جهان گشود. دیوان اشعار وی شامل ۹ هزار قصیده، ترکیب‌بند و ترجیع‌بند، غزل، قطعه، رباعی و مثنوی است.

### شخصیت‌های علمی و دینی یزد در دوران معاصر

از علما و بزرگان استان یزد، آیت الله محمد حسین فاضل اردکانی عالم دینی و فقیه قرن سیزدهم هجری قمری، آیت الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی معروف به علامه یزدی و صاحب عروة الوثقی از عالمان و مرجع شیعیان در قرن سیزده و چهارده هجری قمری، آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی (مهرجردی) عالم دینی، فقیه و مؤسس حوزه علمیه قم با همراهی آیت الله شیخ محمد تقی بافقی، آیت الله آخوند ملا (محمد) اسماعیل عقدایی عالم دینی و فقیه در اواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم را می‌توان نام برد. از دیگر شخصیت‌های معروف فرخی یزدی شاعر آزادی‌خواه دوران مشروطه و مهدی آذر یزدی پیشکسوت ادبیات کودکان و نوجوانان است که از بین آثار متعدد او «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» را می‌توان نام برد.



شکل ۲-۴



شکل ۳-۴- راهپیمایی مردم یزد علیه حکومت پهلوی به رهبری آیت الله شهید صدوقی

### نقش مردم یزد در انقلاب اسلامی

نهم و دهم فروردین ۱۳۵۷ را باید نقطه عطف مبارزات مردم یزد نامید. نهمین شب نوروز ۵۷، یزد شاهد حرکت خودجوش مردم در مبارزه با رژیم پهلوی بود و مردم با دادن شعار، خشم و نفرت خود را به رژیم نشان دادند. در دهم فروردین مردم یزد به دعوت آیت الله صدوقی در مسجد حظیره، در سوگ چهارمین روز شهدای تبریز، تجمع کردند. سپس با ترک مسجد در خیابان‌ها به تظاهرات علیه رژیم پرداختند. در آن زمان شهربانی و هنگ ژاندارمری یزد، در چهار راه امیرچخماق و خیابان‌های اطراف، به تظاهرات آرام مردم حمله و به سوی آن‌ها تیراندازی کردند که در این میان ۴ نفر از مردم به شهادت رسیدند و ۱۰ نفر مجروح گردیدند و تعدادی نیز دستگیر شدند.

نکته حائز اهمیت نقش آیت الله صدوقی در هدایت جامعه، صدور اعلامیه‌های انقلابی در تمامی حوادث انقلاب، ارتباط مداوم با رهبران روحانی در سراسر کشور و از همه مهم‌تر، تلاش ایشان در جهت بسط و گسترش رهبری حضرت امام خمینی در تمامی صحنه‌ها و عرصه‌های جامعه بود. از دیگر اشخاص تأثیرگذار در هدایت مردم در انقلاب اسلامی مرحوم آیت الله حاج سید روح الله خاتمی بودند.

### نقش مردم یزد در دفاع از انقلاب اسلامی و دوران هشت سال دفاع مقدس

استان یزد نقش بسیار ارزشمندی در دفاع از سرزمین اسلامی در دوران هشت سال دفاع مقدس برعهده داشته است. این استان اگرچه از نظر جغرافیایی دور از مرزها به سر می‌برد اما در دفاع از انقلاب اسلامی و مبارزه علیه دشمن متجاوز نقش فعالی داشت.





رزمندگان استان یزد در طول ۸ سال دفاع مقدس، طی ۲۴۰ نوبت به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل اعزام شدند که جمع آمار افرادی که حداقل یک بار در جبهه‌ها حضور یافتند را ۳۸۷۴۱ نفر نشان می‌دهد که مدت حضور بعضی از آنها بیش از ۲۰۰۰ روز بوده است. بیشتر این افراد از قشر فرهنگی و دانش آموزان بودند که ۱۰۴۶ نفر شهید را تقدیم انقلاب نمودند. کوچک‌ترین شهید دفاع مقدس با ۱۲ سال سن، شهید محمد حسین ذوالفقاری از میبد است که در صحنه نبرد مستقیم با صدامیان در منطقه شوش به شهادت رسید.

دانش‌آموزان نیز هم دوش سایر اقشار، شرکت فعال در کمک‌رسانی به جبهه‌ها، نظیر اهدای کالا و اهدای خون داشتند و تحویل فلک‌های پول دانش‌آموزان به جبهه‌ها، هیچگاه از خاطره‌ها فراموش نمی‌شود.



شکل ۴-۴- اعزام رزمندگان اسلام به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل



شکل ۴-۵

همچنین شخصیت‌های برجسته‌ی زیادی را می‌توان نام برد که اداره، مدرسه و ... را در یزد ترک و به جبهه‌ها شتافتند و سرانجام به آرزوی خود که همان شهادت بود، رسیدند، از آن جمله می‌توان به سرداران بزرگی نظیر شهیدان محمد منتظر قائم، ذبیح‌الله عاصی زاده و محمدحسین موحدین، اشاره کرد.

شهید محراب حضرت آیت‌الله صدوقی (نماینده امام و امام جمعه یزد): در سال ۱۲۸۸ ش (۱۳۲۷ قمری) در یزد و از خانواده‌ای روحانی که از نسل «شیخ صدوق» بود، به دنیا آمد. وی از سن ۱۳ سالگی به تحصیل علوم دینی روی آورد و در ۲۱ سالگی برای ادامه تحصیل به اصفهان و سپس به قم عزیمت کرد و از محضر آیات عظام حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (مهرجردی)، سید حسین بروجردی و ... بهره برد. وی در کنار

## پیشینه تاریخی استان

تحصیل به تدریس پرداخت و بزرگانی چون علامه محمدتقی جعفری، شهید مرتضی مطهری، سید مصطفی خمینی و... از وی کسب فیض نمودند.

وی سرانجام در روز جمعه دهم رمضان مطابق با ۱۳۶۱/۴/۱۱ در محراب نماز جمعه در مسجد ملا اسماعیل به دست منافقین به شهادت رسید.

### برای مطالعه



شکل ۴-۶

شهید دکتر سید رضا پاک نژاد (نماینده یزد در مجلس شورای اسلامی): پزشک خوش قلم و خوش بیان شهر یزد، در سال ۱۳۰۳ ش متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در یزد گذراند و در بهمن ۱۳۳۶، دکترای خود را با درجه ممتاز گذراند. او به زبان عربی تسلط داشت و از همان جوانی با علوم حوزوی ارتباط برقرار کرده بود. وی ۱۱۰ جلد کتاب در بررسی علوم و معارف اسلامی و مسائل اجتماعی و پزشکی تألیف کرد که مهم ترین آن‌ها «اولین دانشگاه و آخرین پیامبر» است که تاکنون بیش از ۴۰ جلد آن منتشر شده است.

وی پس از پیروزی انقلاب، به عنوان نماینده مردم یزد، به مجلس شورای اسلامی راه یافت و در هفتم تیرماه ۱۳۶۰، به همراه برادرش و ده‌ها تن دیگر از مسئولان و فعالان نظام نوپای اسلامی، به شهادت رسید.

شهید محمد منتظر قائم (اولین فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یزد): محمد منتظر قائم در شهرستان فردوس به دنیا آمد. هنوز ۱۵ سال بیشتر نداشت که حماسه ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ آغاز شد و با وجود سن کم، در بیشتر فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و مبارزه علیه رژیم طاغوت سرآمد بود. پس از خدمت سربازی در شرکت برق منطقه‌ای مشغول به کار شد، ولی به دلیل انقلابی بودن و فعالیت علیه رژیم شاه از کار اخراج شد و به مدت ۱۵ سال به زندان افتاد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در خرداد سال ۱۳۵۸ به عنوان اولین فرمانده سپاه یزد منصوب شد و دو ماه پس از آن، به همراه گروهی



شکل ۴-۷



از همزمانش، به منطقه کردستان عزیمت کرد. وی پس از بازگشت به یزد، مجدداً فرماندهی سپاه را عهده‌دار شد. به دنبال تجاوز آمریکا به خاک جمهوری اسلامی در صحرای طبس در ۵ اردیبهشت ۱۳۵۹، به آنجا شتافت و پس از جست‌وجو در منطقه، مشغول جمع‌آوری اسناد موجود در بالگردهای آمریکایی بود که طی یک نقشه از پیش تعیین شده، آن منطقه مورد حمله هواپیماهای جنگنده قرار گرفت تا اسناد خیانت خود فروختگان داخلی و خارجی نابود شود که در این حمله وی نیز به شهادت رسید.



شکل ۸-۴

**شهید ذبیح الله عاصی زاده (اولین فرمانده تیپ مستقل ۱۸ الغدیر):** ذبیح الله عاصی زاده در اردکان به دنیا آمد. وی پس از تحصیلات دیپلم؛ عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد. با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه میهن اسلامی، عازم جبهه‌های نبرد شد. استعداد وافر و عملکرد برجسته وی، توجه فرماندهان عالی جنگ را به خود جلب کرد و بدین سبب به معاونت اطلاعات و عملیات تیپ ۸ نجف اشرف برگزیده شد و پس از تشکیل تیپ الغدیر به فرماندهی این یگان منصوب گردید. وی در دوران دفاع مقدس دو بار مجروح شد و سرانجام در اثر اصابت ترکش گلوله توپ، در تاریخ ۱۳۶۲/۷/۲۱ در منطقه بانه به شهادت رسید.

**شهید محمد حسین موحدین «جوکار» (مشاور ریاست سازمان امور اداری و استخدامی کشور و دبیر آموزش و پرورش):** محمد حسین جوکار در یزد به دنیا آمد. او پس از اخذ دیپلم در رشته کامپیوتر به ادامه تحصیل پرداخت. وی در دانشگاه، محیط را برای گسترش دامنه فعالیت‌های مذهبی سیاسی خود مناسب‌تر یافت و در



شکل ۹-۴

کنار دانشجویان مذهبی به مبارزه جدی با نظام پوسیده و پوشالی سلطنتی گام نهاد؛ پس از مدتی توسط مأموران ساواک شناسایی و مورد تعقیب قرار گرفت. به دنبال آن شبانه به منزلش هجوم بردند و او را دستگیر و زندانی کردند. وی نزدیک به دو سال در زندان‌های رژیم پهلوی، قهرمانانه مقاومت کرد. در آستانه اوج‌گیری انقلاب اسلامی و قیام ملت مسلمان ایران از زندان طاغوت آزاد شد و در جریان انقلاب اسلامی ایران در مسئولیت‌های زیر انجام وظیفه کرد.

– مسئول راه‌اندازی امور تربیتی در یزد و جذب آموزش ۳۰۰

مربی تربیتی

– مسئول گزینش آموزش و پرورش یزد

## پیشینه تاریخی استان

– معاون سیاسی امنیتی استانداری یزد  
وی در سال ۱۳۶۶ در منطقه شمال غرب (ماووت) مورد اصابت ترکش خمپاره قرار گرفت و در مسیر انتقال به بیمارستان تبریز در روز ۱۳۶۶/۱۲/۷ به شهادت رسید.

### فعالیت



- ۱- درباره نقش مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مطلبی تهیه کنید.
- ۲- وصیت نامه یکی از شهدای دانش آموز را در کلاس بخوانید.
- ۳- چه عاملی سبب برتری نظامی ایران در جنگ به رغم کمک های همه جانبه کشورهای خارجی به عراق بود؟